

گروه فرهنگ دریا- امید اسماعیلی - از

دوره هخامنشیان، قشم در کنار هر مز قدیم و سیراف به‌عنوان بندری برای مبادلات تجاری و پایگاه کشتی‌های نظامی در ایران شناخته می‌شده است. از قشم به هند، چین، مالزی، کشورهای آفریقایی حتی ماداگاسکار سفرهای تجاری انجام می‌شده است. از چین ابریشم و از مناطق شمالی و سبیری پوست، به همراه طلا، مروارید، فرش و... به کشورهای دیگر صادر می‌شده است.

به گزارش روزنامه دریایی اقتصاد سرآمد، گوران (به معنای گران و قیمتی) یکی از قدیمی‌ترین سکونتگاه‌های قشم است و از بندرگاه‌های طبیعی برای لنگراندازی و تعمیرات کشتی‌ها بوده که تا امروز نیز این فعالیت به صورت سنتی ادامه دارد. نمایشگاه‌سر زورزوما، روایتی از حفاظت از ذخیرگاه زیست‌کره حرا و احیای میراث لنج‌سازی چوبی ایران، در روستای گوران از ۲۲ تا ۲۹ فروردین ۱۴۰۴ در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد.

این اختتامیه نمایشگاه «سرزوروما، معماری، کنش جمعی و پایداری» با عنوان «شب میراث ناملموس جهانی جزیره قشم» با همکاری کمیته ملی موزه‌ها (ایکوم ایران)، سازمان منطقه آزاد قشم، شرکت تعاونی روستایی گوران، موزه فضای باز گوران و استودیو چهار، با هدف پاسداشت میراث فرهنگی ناملموس و احیای صنعت لنج‌سازی سنتی بر گزار شد.

سید احمد محیط‌طباطبایی، رئیس ایکوم (کمیته ملی موزه‌ها) شروع پروژه سرزورزوما را از ۵سال گذشته دانست و گفت: باید شیوه و ویژگی‌هایی که دراحیای بومی جنگل‌های حرا و لنج‌سازی بومی وجود دارد، برای نیازهای امروزی اقامت و سایر موارد هم مورد استفاده قرار بگیرد. وی با اشاره به اینکه خلیج فارس قدیمی‌ترین فرهنگ دریانوردی جهان را دارد، افزود: از آن دورانی که فرهنگ سواحلی در اینجا حاکم بوده تا ادوار بعدی، دریانسوردان خلیج فارس، آگاه‌ترین دریانوردان در جهان بودند. آن‌ها بودند که از غرب تا شرق مسیرهای دریایی را می‌دانستند. بسیار قبل از نیل و مدیترانه و جاهای دیگر روی اقیانوس‌ها و دریاها مسافرت کردند؛ حتی شیوه‌های سنتی مدل‌هایی از لنج را می‌ساختند که می‌توانستند به اقیانوس‌ها بروند و موزه زنده گوران به‌دنبال احیای آن است. رئیس ایکوم با اشاره به اینکه مسلمانان قبل از پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها دماغه امید را می‌شناختند، گفت: براساس یکی از اسناد تاریخی، مسلمین اسپانیا با راهنمایی دریانوردان خلیج‌فارس به دماغه امید، و به جده می‌آمدند و حج را به‌جا می‌آوردند؛ یعنی اینکه دماغه امید را قبل از کشف دریانوردان پرتغالی و اسپانیایی می‌شناختند.

وی ادامه داد: احیای موزه‌ها، چه موزه‌های لنج‌سازی، چه موزه گوران و چه موزه‌هایی دیگر، صرفاً برای اینکه یک حفظ و حفاظت از گذشته باشد نیست، بلکه باید به دنبال آن بود که چگونه می‌توان این شیوه‌ها را به‌روزرسانی کرد و زندگی امروز را در جزیره تشکیل داد.

محیط‌طباطبایی به تردد قایق‌های بومی در برخی رودخانه‌های دنیا اشاره کرد و افزود: بدون همکاری آن‌ها، قطعاً این کار پیشش نخواهد رفت. این یکی از معضلاتی است که در سایر نقاط دنیا، برای حفظ،



ارائه و احیای سنت‌های بومی، برطرف شده است. وی تأکید کرد: یونسکو برای ثبت جهانی و پشتیبانی از آن به نوعی باید حمایت و پشتیبانی مضاعف را به عمل آورد و یک فشار اجتماعی نیز لازم است که ما شاهد بهبود وضع ملوانان، جاشوها و دریانوردان خودمان در منطقه جنوبی باشیم و مجدد این لنج‌ها مسافرت کنند و بین بنادر لافت، خمیر و جاهای دیگر تردد داشته باشند.

رئیس کمیته ملی موزه‌ها در پایان از تلاش تمام کسانی که در این راستا قدم گذاشته و از شکل‌گیری موزه‌ها تا پخش مستند آن در جاهای دیگر دنیا و همچنین مردم بومی اقصى نقاط جزیره از جمله بندر لافت که روش‌های قدیمی و بومی را حفظ کردند، تشکر کرد.

روایت جان گرفتن موزه لنج‌سازی و دریانوردی در گوران

علی پوزن، بنیانگذار موزه لنج‌سازی و دریانوردی گوران نیز در این مراسم گفت: ابر باران دیده به دریا گفت: من اگر نبارم تو چطور دریایی؟ /دریا خنده‌کنان گفت: تو هم از مایی!

بنیانگذار موزه لنج‌سازی و دریانوردی گوران در ابتدای سخنان خود گفت: بنده و هم‌تیمی‌هایم که در جمع شما نشسته‌اند، از گوران قشم آمده‌ایم؛ آمده‌ایم نه‌فقط برای گفتن، بلکه برای وصل کردن؛

وصل کردن گذشته‌ای که در آن لنج‌ نماد زندگی بود، به آینده‌ای که در آن صلح، فرهنگ و همزیستی بادیان‌های سپهر ما خواهد بود. و اما ما آمده‌ایم برای ایران، آمده‌ایم بگوئیم چه کرده‌ایسم و با کمک و همراهی شما چه خواهیم کرد.

وی در ادامه به بیان برخی اقدامات انجام‌شده در این رابطه پرداخت و افزود: ما از سالل ۱۳۹۴ به این فکر افتادیم که چطور می‌توانیم صنعت لنج‌سازی که رو به نابودی بود را احیا کنیم و از این طریق برای مردم و لنج‌سازها کسب درآمد بشود؛ میراث ناملموس در

وی در مورد سایر دستاوردهای موزه زنده گوران گفت: ساخت زیست‌گاه مصنوعی ازبشکه‌های فلزی، بدون هزینه و با مشارکت صیادان محلی، همچنین ساخت قایق چوبی «شاشک» که یکی از ابتدایی‌ترین انواع قایق‌های دست‌ساز بشر است و نیز بازسازی لنج چوبی مدل گوران، احیای کارگاه «حاج عبدالرحمن هدری»، یکی از کارگاه‌های قدیمی لنج‌سازی گوران و راه‌اندازی کافه لنج-به‌جای ساخت‌وساز در ساحل، با کمک جوانان بومی، لنج چوبی بزرگی را بازسازی کردیم که امروز با عنوان «کافه لنج» شناخته می‌شود و برای رویدادهای فرهنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد- از دیگر دستاوردهای مادر موزه زنده گوران محسوب می‌شود.

بنیانگذار موزه لنج‌سازی و دریانوردی گوران دستاوردهای موزه را در گرو توان جامعه محلی و همکاری سازمان‌هایی چون منطقه آزاد قشم، ایکوم،

محیط‌زیست، سازمان بنادر و دریانوردی و ... دانست و گفت: باید با همکاری و همدلی و همراهی بتوانیم این میراث و میراث‌های دیگر سرزمین‌مان را حفظ و آباد کنیم و اگر به جامعه محلی اعتماد شود، خودش می‌تواند حافظ میراث خودش باشد، فقط گوشه‌ای از حمایت ششما عزیزان را لازم دارد برای اینکه انرژی بگیرد و با سرعت پیش برود.

وی به ضرورت حمایت مادی معنوی از موزه زنده گوران، اشاره کرد و گفت: برای حفظ این میراث باید تفاهنامه‌ای بین وزارت میراث‌فرهنگی گردشگری و صنایع دستی، سازمان بنادر و دریانوردی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، منطقه آزاد قشم و ... رقم بخورد و کار به‌صورت مشارکتی پیش برود.

پوزن گفت: برای تقویت این موزه، ایجاد پایگاه جهانی لنج‌سازی و دریانوردی و تسهیلات کم‌بهره برای ساخت لنج چوبی گردشگری می‌تواند کمکی برای حفظ این میراث باشد. ما اگر بخواهیم آن را حفظ کنیم باید مثل گذشته این صنعت را به چرخه اقتصاد بیاوریم.

بنیانگذار موزه لنج‌سازی و دریانوردی گوران در پایان سخنان خود گفت: در گوران لنج‌ها نه‌فقط ساخته می‌شوند، بلکه زاده می‌شوند مثل یک فرزند! وقتی باد در بادیان می‌پیچد و وقتی که قایق از ساحل جدا می‌شود انگار قصه‌ای شروع می‌شود، قصه‌ای از پیوند، از زندگی، از همسفر شدن؛ ما این قصه را روایت می‌کنیم تا پادمان نرود ایران را ما می‌سازد نه من! ما با هم از دل دریا، از دل چوب و آفتاب و نمک می‌توانیم جهانی از صلح و فرهنگ بسازیم.

لنج‌های بادی در نقش دانشگاه مناطق جنوب

عبسی پوزیده، ایدپر داز موزه زنده گوران نیز با اشاره به اینکه دریای آرام ناخدا ی قهرمان نمی‌سازد، گفت: لنج‌های بادی دانشگاه مناطق جنوب بود و از وقتی که لنج‌های بادی حرکت می‌کردند، بچه‌های کوچک ۲ و ۱ساله ... را با خودشان می‌بردند. من یک دوست کوچکی داشتم که همراه پدرش با لنج بادی به دریا رفته بود و وقتی برگشته بود، مثل اینکه مدرسه و دانشگاه رفته و همه چیز را در لنج یاد گرفته بود؛ ادب، معاشرت، صبر، احساس؛ همه چیز را یاد گرفته بود.

وی با قدردانی از زحمات تمام کسانی که در این راه تلاش کردند، گفت: استاد اصلی در این زمینه اساتیدی بودند که لنج ساختن را بلد بودند و ادامه دادند و به ما سپردند تا این هنر را نگه داریم. من وقتی فرسودگی لنج و جنگل‌های حرا را می‌دیدم، ایده احیای آن‌ها به ذهنم آمد و حتی دو تا لنج فرسوده هم تهیه کردم، اما چون تنها بودم کار پیش نرفت، بعد که آقای پوزن جوان و با انگیزه آمد، خانم اسماعیلی، آقای طباطبایی و مناطق آزاد و بقیه آمدند، دست در دست هم دادیم کار شروع شد.

اهمیت حفاظت از دارایی‌های ارزشمند محلی

محمد بهشتی، رئیس اسبق سازمان میراث فرهنگی و عضو شورای راهبردی میراث‌فرهنگی و گردشگری نیز با اشاره به اهمیت حفاظت دارایی‌های ارزشمند گفت: معمولاً چیزهای خیلی ارزشمند را حفظ

«روزنامه سرآمد» از شب میراث ناملموس جزیره جهانی قشم در تهران گزارش می‌دهد

لنج‌های بادی دانشگاهی برای بچه‌های جنوب

روایت توانمندی جامعه محلی در موزه لنج‌سازی و دریانوردی گوران

می‌کنند.

وی گفت: فرق کهنه با کهن چیست؟ کهن چیزی است که زباله نمی‌شود، کهنه چیزی است که زباله می‌شود. در اطراف ما ماه و خورشید کهن هستند و از دیدارشان خسته نمی‌شویم. تکرار هم می‌شوند. ما از هر چیز تکراری اذیت می‌شویم، اما چندمیلیون سال است که این ماه و خورشید هر بار طلوع و غروب می‌کنند، اما کهنه نمی‌شوند و ما دچار ملال نمی‌شویم. به خاطر اینکه کهن هستند، حفاظت متوجه این جور چیزهاست.

وی حفاظت از آثار ملموس و غیرملموس تاریخی فرهنگی و هنری از این جهت که کهن هستند در برابر کسانی ضروری دانست که آن‌ها را کهنه و زباله می‌دانند و وجهه کهن‌بودن آن‌ها را درک نمی‌کنند و آن‌ها را به چشم چیزی مستعمل و به‌دردنخور نگاه می‌کنند. بهشتی همچنین به‌اهمیت نگهداری چیزهای کهن واجد ارزش در موزه‌ها به‌جای گاو صندوق اشاره کرد و گفت: موزه وظیفه دارد تا چیزی را به یاد مایابورد، ریشه واژه موزه به یک اسطوره‌ای برمی‌گردد که در آن اسطوره وقتی که انسان به این عالم هبوط می‌کند در یک چشمه‌ای خودش را شستشو می‌دهد. آن چشمه به چشمه لته معروف است. در آن چشمه وقتی خودش را شستشو می‌دهد، فراموش می‌کند از کجا آمده است. آن وقت یک الهه‌ای است به نام منه‌موسنه که مأمور می‌شود به یاد انسان بیاورد که از کجا آمده و چه کسی است و آن الهه ۷دختر دارد که در آن اسطوره وقتی که انسان به یاد آمده‌ها می‌روند هستند. وظیفه همه آن‌ها این است که به یاد مایابورد که ما کی هستیم، از کجا آمدیم و به کجا می‌رویم؟ پس حفظ کنیم یعنی به صفت موزه حفظ کند نه به صفت گاو صندوق! یعنی به پادمان بیاورد که ما کی هستیم.

وی به عمر ۱۷هزارساله خلیج فارس اشاره کرد و گفت: از یک طرف خلیج فارس خیلی جوان است و از طرف دیگر خیلی کهنسال. به چه صفت کهنسال است، چون این دریا تنها پدیده عظیم طبیعی است که در دامن انسان متولد شده و آغاز دریانوردی بشر در اینجا اتفاق افتاده است. یعنی کهن‌ترین شاهد در دریانوردی انسان در کل کره‌زمین همین خلیج فارس است. وی برنامه‌ریزان توسعه کشور را نسبت به دریا دچار سوءتفاهم دانست و گفت: امروز وقتی با کسانی که برنامه‌ریزی توسعه می‌کنند صحبت می‌کنم و چند وقتی هم رسم شده که درباره توسعه دریامحور و بحث مکران بحث می‌شود، همه آن‌ها اشاره می‌کنند که اصولاً ایرانی‌ها از دریا پرهیز داشتند. برای اینکه وقتی نگاه می‌کنیم چند قرن است در کنار دریا اصلاً شهر بزرگ و رونق اقتصادی جدی نداشتیم. البته دچار سوءتفاهم هستند و فکر می‌کنند اصلاً فرهنگ ما دریایی نیست و از دریا دوری می‌کنند. در شرایطی که کهن‌ترین آثار دریانوردی در این سرزمین اتفاق افتاده است. همین امروز وقتی که مثلاً فرهنگ اصطلاحات دریانوردی را در دنیا احصاء می‌کنند، معمولاً بیشتر واژه‌های آن فارسی است.

بهشتی ادامه داد: این سوء تفاهم باعث می‌شود که ما در نوع مواجهه با سواحل دریای عمان، خلیج فارس و جزایر غربیه باشیم و به‌مثابه یک بیگانه با آن مواجه شویم، به‌خاطر اینکه ما سواحل خلیج فارس و دریای عمان و جزایر و کسانی را که در آنجا زندگی می‌کنند

را به‌جانمی‌آوریم، ولی اگر به‌جایآوریم، آن وقت می‌بینیم تمام صورت‌مسئله شکل گرفته در ذهن ما تغییر می‌کند.

وی ادامه داد: آن چیزی را که ما به صفت کهن‌بودن در موزه می‌گذاریم، ارزش آن در این است که بر دانایی زیست در آنجا دلالت می‌کند؛ یعنی در آنجا یک معمای زیستی داشته و انسان‌ها در تعاملی که در طی تاریخ کردند، توانستند معمای زیستی را بشناسند و حل و فصل کرده و شرایط زیست در آنجا را فراهم کنند. این یعنی دانایی! و وقتی گفته می‌شود که آنجا اهلیت چیست؟ اهلیت دانایی است که ما وجودی ما بوده است، یعنی کسانی که بومی جایی هستند ادامه آنجا هستند و آنجا ادامه وجودشان است.

عضو شورای راهبردی میراث‌فرهنگی و گردشگری تأکید کرد: در برابر کسانی که این چیزها را نمی‌دانند فقط به سواد اکتفا می‌کنند، حقیقتاً باید این میراث را حفظ کرد. می‌بینیم اتفاقات توسعه‌ای که در سواحل خلیج فارس، دریای عمان و جزایر اتفاق افتاده است، عمدتاً بی‌توجه به اسین دانایی اتفاق افتاده است. بومی‌هایی که در آنجا زندگی می‌کردند را در بهترین حالت فکرشده که باید مراعات آن‌ها را کنند، ولی فکر نکردند که آن‌ها همان بذری هستند که اگر درست پرورده شوند، توسعه در آنجا اتفاق می‌افتد.

وی افزود: اگر که درک‌مان از توسعه، توسعه پایدار باشد، باید مبتنی بر مختصات تاریخی، فرهنگی و طبیعی باشد. مبتنی بر اهلیت باشد؛ یعنی مبتنی بر دانایی زیستی در آن محیط باید باشد. اگر ابثاتی به این وجود داشت، می‌توان مطمئن بود که توسعه رقم می‌خورد. بهشتی البته نیل به این یک مسئله را ساده ندانست و گفت: البته این یک مسئله پیچیده است و کسانی که به این قضیه فکر می‌کنند باید این اهلیت برای آن‌ها وجود داشته باشد. ما در فرهنگ خودمان این اهلیت را شسعور می‌گوئیم. مسأ آمدیم در دوره معاصر سواد را جای شعور گذاشتیم. جای این شعور کجاست؟ همان‌های که اسم آن‌ها را بومی می‌گذاریم، همان‌هایی که به آن‌ها میراث فرهنگی، آثار تاریخی می‌گوئیم. اینها ارزش‌شان در این است که شعور در وجودشان متبلور است.

وی به اهمیت و ارزش کار حفاظت از میراث ملموس و ناملموس قشم و اقدامات موزه زنده گوران تأکید کرد و گفت: از این جهت می‌گویم که ارزش کاری که می‌کنید بسیار بسیار بااهمیت است که در سر نوشت قشم می‌تواند بیشترین نقش را در آبادانی و توسعه ایفا کند. صورت ظاهر کار شما اشکالش در این است که به توسعه مربوط نیست، ولی گم‌شده توسعه در جزیره قشم و حتی کل دریای عمان و خلیج فارس در دستان شماست. وی در پایان تصریح کرد: می‌گویم کاری که می‌کنید بسیار مهم است. ممکن است کسی قدر نداند، ولی همیشه اینطور نمی‌ماند. منتها یک نسل دیگر، چاره‌ای نداریم جز اینکه بفهمیم این چیزها را، وگرنه نابود می‌شویم. کمی صبر کنید، کمی پایداری داشته باشید، سماجت داشته باشید. از رو نروید آن شاءالله پرچم شما خیلی بیشتر از اینها در اهتزاز خواهد بود.

بدون شرح

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی